

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال نهم شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۶ (صص ۱۲۶-۱۰۹)

طره خط و دندانهای شعر

(نظری بر جایگاه و هنر شاعران خوشنویس ایرانی دربار پادشاهان گورکانی هند)

۱- علیرضا محمودی

چکیده

شاعری و خوشنویسی از جمله ارجمندترین و ممتازترین فنون و هنرهای رایج در میان ایرانیان هستند. هنرمندان خوشنویس با به‌کارگیری مفاهیم ارزشمند نظم فارسی در قالب نوشتاری زیبا، آثار هنری منحصر به فردی را خلق نموده‌اند که به دلیل برخورداری از هماهنگی میان محتوا، حروف‌نگاری و تزیین در شمار فاخرترین نمونه‌های هنر ایرانی قرار دارند. توفیق گسترده‌ی هنرمندان ایرانی در خلق این آثار، نه تنها در ایران دوره صفوی نام و آوازه‌ی درخشانی را برای آنان به ارمغان آورد، بلکه سبب جلب توجه و علاقه‌ی حاکمان گورکانی هندوستان به این امر نیز گردیده و آن‌ها با فراهم آوردن زمینه‌ی مهاجرت هنرمندان زبده‌ی ایرانی به هند، فرهنگ و هنر ایران را در شبه‌قاره‌ی هند رواج دادند. در میان این هنرمندان مهاجر تعدادی از باذوق‌ترین شاعران ایرانی حضور داشتند که علاوه بر برخورداری از قریحه‌ی خوش ادبی از استعداد خوشنویسی نیز بهره‌مند بودند. اهمیت تاریخی مهاجرت این هنرمندان در گسترش ادب و هنر ایرانی در شبه قاره هند، سبب گردیده تا این موضوع در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق که به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی، با تکیه بر منابع تاریخی و اسناد باقی‌مانده تدوین شده، حضور شاعران خوشنویس در دربار گورکانیان هند مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: هنر، شاعران، خوشنویسان، گورکانیان هند.

۱- مقدمه

شاعران و نویسندگان ایرانی، در برخی از برهه‌های تاریخی، به خصوص در جریان حمله‌ی مغولان به ایران، و نیز در دوره‌ی حکومت صفویه، به سرزمین هند کوچ کرده‌اند. پادشاهان هند نیز با حمایت گسترده از ایرانیان مهاجر، اسباب رشد و تعالی هنر و شعر و ادب فارسی را فراهم ساختند. از جمله‌ی این پادشاهان می‌توان به دوران حکومت پادشاهان گورکانی هند (۱۸۵۸-۱۵۲۶م/۱۲۷۵-۹۳۳ هـ.ق) اشاره کرد. تعدادی از شاعران دربار این پادشاهان علاوه بر گوهر شعر، از نعمت خط خوش نیز برخوردار بوده‌اند. از آنجایی که در بسیاری از منابع ادبی، به هنر خوشنویسی این شاعران کمتر اشاره گردیده، در این مقاله تلاش شده تا به معرفی این شاعران هنرمند پرداخته شود.

۱-۱ بیان مسأله و سؤالات تحقیق

هنر خوشنویسی از جمله‌ی برجسته‌ترین نمونه‌های هنر اسلامی است که در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی از گسترش قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و در زمره‌ی هنرهای مقدس قرار دارد (بوکهارت، ۱۳۸۱: ۱۵۰). اهمیت خط و کتابت در نزد ایرانیان موجب گردیده تا هنر خوشنویسی، وسیله‌ی مناسبی برای بیان نبوغ ایرانی به شمار رود. این هنر بیش از همه هنرها با دیدگاه زیباشناختی مردم ایران سازگاری داشته و تقریباً همه‌ی اندیشه‌های آرمانی و هنری آن‌ها را تجسم بخشیده است (اکرم، ۱۳۸۷: ۱۹۶۱). بدین سبب بر خورده‌ی این مهارت خوشنویسی در نزد بسیاری از مردم مایه‌ی امتیاز و افتخار بود و آموختن آن بخش مهمی از آموزش‌های طبقه‌ی روشنفکر را تشکیل می‌داد. سرآغاز فرمانروایی گورکانیان در هند با دوره‌ی رشد و شکوفایی هنر اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها از خوشنویسی گرفته تا نگارگری، معماری، شعر و سایر انواع هنر اسلامی در این سرزمین مقارن بود. توفیق گسترده‌ی ایرانیان در خلق آثار زیبا و بدیع، سبب جلب توجه حاکمان گورکانی به این امر شده و آن‌ها با فراهم آوردن زمینه‌ی مهاجرت هنرمندان زبده‌ی ایرانی به هند، فرهنگ و هنر ایران را در شبه‌قاره‌ی هند رواج دادند (سودآور، ۱۳۸۰: ۳۰۳). از جمله‌ی مهم‌ترین این هنرها خوشنویسی و شعر است که همگام با یکدیگر به ترویج میراث فاخر ادب فارسی در سرزمین هند پرداخته و به سرعت رشد و گسترش یافتند. در این مقاله تلاش گردیده است تا بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که: جایگاه هنری برجسته‌ترین شاعران خوشنویس دربار پادشاهان گورکانی هند چه بوده است؟

۱-۲ اهداف و ضرورت تحقیق

از جمله میراث‌های مشترک مکتوب فرهنگی در بین ایران و هند می‌توان از هنر خوشنویسی فارسی یاد کرد. چه بسیارند بناها و کتبی که به خط خوش فارسی تزیین و آراسته شده‌اند. در این بین شاعران خوشنویس سهم مهمی را در خلق و ترویج این هنر در شبه قاره‌ی هند بر عهده داشته‌اند. در این تحقیق که با هدف معرفی و شناخت هر چه بهتر شاعران خوشنویس دربار پادشاهان گورکانی صورت پذیرفته، تلاش گردیده تا به معرفی این شاعران هنرمند پرداخته شود.

۱-۳-۱-۳ روش تحقیق

با توجه به سهم بزرگ هنرمندان و شاعران ایرانی در گسترش ادب و فرهنگ فارسی در شبه قاره، در این تحقیق که مبتنی بر شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی بوده و با تکیه بر منابع تاریخی و اسناد باقی‌مانده تدوین شده، موضوع شاعران خوشنویس دربار گورکانیان هند مورد توجه قرار گرفت. این پژوهش در دو بخش کلی تدوین شده است. در بخش اول به اختصار به نقش امپراطوران گورکانی در مهاجرت ایرانیان به هند و گسترش زبان فارسی در این سرزمین پرداخته شده و بخش دوم به معرفی شاعران خوشنویس دربار گورکانی هند اختصاص داده شده است.

۱-۴-۱-۴ پیشینه تحقیق

در بررسی‌های به عمل آمده، پژوهشی مشابه در این زمینه مشاهده نشد و مشخص گردید که در اکثر تحقیق‌های صورت گرفته در مورد شاعران و خوشنویسان ایرانی بیش‌تر به شهرت و مهارت آن‌ها در اشاعه یکی از این هنرها پرداخته شده و موضوع شاعران خوشنویس به صورت مجزا مورد توجه قرار نگرفته است (گلچین معانی، ۱۳۶۹؛ صفا، ۱۳۷۳؛ شیمیل، ۱۳۷۹).

۲- گورکانیان هند

سلسله گورکانی (۱۸۵۸-۱۵۲۶م/ ۱۲۷۵-۹۳۳ هـ ق) یکی از بزرگ‌ترین، ثروتمندترین و در عین حال پردوام‌ترین حکومت‌های اسلامی هند بود. این سلسله به اسامی مختلفی همچون تیموریان، بابریان و مغولان نیز شهرت دارد (مؤذنی، ۱۳۸۶: ۷۵۱). همزمان با حکومت پادشاهان صفوی (۹۰۷-

۱۱۳۵ هـ.ق) در ایران، در هندوستان سلسله‌های نظام شاهیان (۹۱۴-۱۰۰۴ هـ.ق)، قطب شاهیان (۹۱۸-۱۰۹۸ هـ.ق) عادل شاهیان (۹۱۶-۱۰۹۷ هـ.ق) و گورکانیان (۹۳۳-۱۲۷۵ هـ.ق) حکومت می‌کردند که در این بین گورکانیان از مشهورترین دستگاه‌های حکومتی از نظر نشر فرهنگ و هنر فارسی در هند بودند. در بین پادشاهان این سلسله یازده تن از شهرت بیشتری برخوردار بودند (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۸ مقدمه) اما بیش‌ترین خدمات به فرهنگ و هنر ایرانی در زمان شش پادشاه بزرگ این سلسله یعنی: ظهیرالدین محمد بابر، نصیرالدین محمد همایون، جلال‌الدین محمد اکبر شاه، نورالدین محمد جهانگیر، شهاب‌الدین شاه جهان و اورنگ زیب صورت گرفت.

۲-۱- شعر و خوشنویسی فارسی در دربار گورکانیان

زبان فارسی که از قرن چهار هجری در دوره‌ی سلطان محمود غزنوی (۹۸۸-۱۰۳۰ م/۳۳۸-۴۲۱ هـ.ق) به سرزمین هند وارد شده بود، در دوران حکومت گورکانیان گسترش یافت. با گسترش زبان فارسی در هند، خوشنویسی نیز همگام با شعر و ادب فارسی در این سرزمین گسترش یافت و به صورت کتیبه‌های فاخر بر پیکره‌ی بناهای مختلف ظاهر شد. وجود آیات قرآن، احادیث نبوی و اشعار فارسی در این آثار، بر محتوای ادبی و دینی آن‌ها دلالت دارد (ذکرگو، ۱۳۸۴: ۱۱۸). زیباترین و مهم‌ترین این کتیبه‌ها اثر گروهی از مهاجران خوشنویس ایرانی است. خوشنویسان و نگارگران زبده‌ی ایرانی، هنر ایران و شاهکارهای ادب فارسی را در هند رواج می‌دادند (سوچک، ۱۳۸۴: ۱۲۷). نسخه‌های نفیس آثار فاخر ادب فارسی، نه تنها به علت برخورداری از غنا و لطف قابل ملاحظه‌ی ادبی، بلکه همچنین به علت دارا بودن زیبایی بصری خارق‌العاده به سرعت توجه صاحبان ذوق و اندیشه را به خود معطوف کرد. نفوذ شعر فارسی، در دربار هند که سبب ظهور شاعران هندی یا ایرانی تبار مشهوری همچون دارا شکوه (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ه.ق)، برهمن و فانی کشمیری شده بود، همگام با عرصه‌ی شعر، در زمینه‌ی خوشنویسی نیز نتایج مشابهی را به بار آورد. بسیاری از شاهان و شاهزادگان فرهیخته‌ی دربار گورکانی از جمله شاه جهان، شاهزاده دارا شکوه و زیب‌النساء بیگم (۱۰۴۸-۱۱۱۳ هـ.ق) دختر اورنگ زیب، که هنر خوشنویسی را مایه‌ی فخر و مباهات می‌دانستند، به آموختن این هنر اهتمام ورزیده و آثار ارزشمندی را کتابت کردند (بیانی، ۱۳۸۱: ۱۷۶). برخی از مشهورترین نسخه‌های منظوم خوشنویسی شده‌ی سده ۱۶ میلادی، مانند: بهارستان جامی (۱۰۰۴ هـ.ق)، خمسه نظامی (۱۰۰۴ هـ.ق) و خمسه امیر خسرو دهلوی (

۱۰۰۶هـ.ق) نیز در شمار آثاری هستند که به قلم خوشنویسان برجسته‌ای همچون محمد حسین کشمیری معروف به «زرین قلم» و عبدالرحیم معروف به «عنبرین قلم» نوشته شده‌اند (بلر، ۱۳۸۵: ۳۳۰). بدین ترتیب هندوستان که در قسمت اعظم قرون شانزده و هفده میلادی، به خاطر حمایت‌ها و تشویق‌های سخاوتمندانه‌ی پادشاهان گورکانی و بزرگان ادب‌پروری مانند بایرام خان خانان و عبدالرحیم خان خانان عده‌ی زیادی از باذوق‌ترین شاعران ایران را به خود جلب کرده بود، به محل مناسبی برای فعالیت ارباب هنر تبدیل شد. این مهاجرت به قدری گسترده بود، که برخی از پژوهشگران، از آن به کاروان هند تعبیر کرده و برخی دیگر دربار گورکانی را نه «دربار ثانی ایران، بل دربار اصلی ایران» دانسته‌اند (بهار، ۱۳۷۵: ۲۵۷). در مورد تعداد کسانی که از آغاز عهد شاه اسماعیل اول (۹۰۷هـ.ق) تا پایان کار شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵ه.ق) یعنی در مدتی نزدیک به دو و نیم قرن، ایران را به مقصد هند ترک کردند، نظرات گوناگونی ارائه شده است. بداوینی نزدیک به صد و هفتاد نفر از آنان را برمی‌شمارد که از تبار ایرانیان مهاجر به شمار می‌رفتند و شبلی به ذکر نام پنجاه و یک نفر از کسانی می‌پردازد که در زمان اکبر شاه از ایران به هند آمده و به دربار راه یافتند (براون، ۱۳۷۵: ۱۷۵). در کتاب اکبرنامه نیز، تعداد مهاجرین هفت صد و چهل و پنج نفر ذکر شده که از این تعداد نه نفر در زمان بابر، سی و سه نفر در دوران همایون و دویست و پنجاه و نه نفر در دوران حکومت اکبر شاه در آن سرزمین رحل اقامت افکندند (مبارک، ۱۳۷۲: ۱۴). تعدادی از پژوهشگران در بررسی‌های خود علل عمده‌ی مهاجرت شاعران ایرانی در عهد صفویه را در مجموع چنین بر شمرده‌اند: ۱- نبودن حامی و مشوق در دربار ایران و عدم توجه امرای صفوی به مدیحه‌ی شاعران. ۲- توجه حاکمان صفوی به علمای دینی و اشعار مذهبی. ۳- محرومیت شعرا از صله‌های ممدوحان در دربار ایران. ۴- ضعف دولت صفوی. ۵- ادیب‌پروری حاکمان گورکانی. ۶- مهاجرت شاعران به جهت کسب معیشت در هند (بهار، ۱۳۷۵: ۲۵۶؛ صفا، ۱۳۷۳: ۱/۵؛ کهدویی، ۱۳۸۶: ۸۱). با آن‌که در آثار قریب به اتفاق این ادب‌پژوهان بر جنبه‌ی ادب دوستی حاکمان گورکانی و بی‌مهری پادشاهان صفوی به مقام شعر و شاعری تأکید شده است، اما پژوهشگرانی نیز وجود دارند که با ردّ این نظریه، توجه و التفات امرای گورکانی به شعر و شاعری را نه از سر ارادت به زبان فارسی و مقام شعرا، بلکه بیش‌تر از حیث تزیین و خودنمایی دانسته (عزیز، ۱۳۵۵: ۵۲) و برآنند که حامیان شعر و شاعری در ایران در نیمه‌ی دوم سده شانزدهم و سر تا سر سده هفدهم ثروت حامیان هندی را برای حمایت از شاعران در اختیار نداشتند. بررسی

زمینه فعالیت این شاعران مهاجر حاکی از حضور صاحبان مشاغل گوناگون در میان آنان است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به هنر خوشنویسی اشاره کرد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۲- شاعران خوشنویس دربار گورکانیان

وجود پیوندی ناگسستنی میان خوشنویسی و شعر فارسی، این هنر را در زمره‌ی شاهکارهای شاعرانه‌ی هنر ایرانی قرار داده است. گستردگی مضامین مرتبط با هنر خوشنویسی در شعر شاعران پارسی‌گوی، پس از سده‌ی پنج هجری، شاهدی بر این مدعاست. شمار ابیاتی که شاعران مشهور ایرانی در تشبیه ویژگی‌های خلق و خوی آدمیان یا زیبایی اجزای روی، موی و اندام معشوقگان با اصطلاحاتی از قبیل: دندان، طره، تعلیق، دور، باریکی، بلندی، و دیگر خصوصیات انواع خطوط سروده‌اند از حد شمار بیرون بوده و در طول زمان بر لطافت نظم فارسی نیز افزوده است (فریه، ۱۳۷۴: ۳۱۲). این موضوع که نشان از قرابت قابل ملاحظه‌ی میان این هنرها دارد، گاه سبب ظهور هنرمندان برجسته‌ای شده که هم به زیور شعر آراسته بودند و هم از استادان مشهور خوشنویسی دوران خود به شمار می‌رفتند که در ادامه به ذکر احوال تعدادی از مشهورترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

- سلطان بایزید دوری هروی: (ف ۹۸۶ هـ.ق) وی از جمله‌ی مشهورترین شاعران پارسی‌گوی خوشنویس هند بود که به نام «دوری» تخلص کرده و به «میر دوری» شهرت داشت: «هر بیت نوشته‌اش، بیت معمور عالم مهارت و کتابت است» (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۷۷). سلطان بایزید پس از مهاجرت به هند در سلک ملازمان اکبر شاه در آمد و از او لقب «کاتب الملک» یافت (حبیبی، ۱۳۵۵: ۷۴۴). از آثار وی می‌توان به تحریر مثنوی خضرخانی و دولرانی امیر خسرو دهلوی اشاره کرد (بیانی، ۱۳۶۳: ۹۶). همچنین از او کتابی به نام «مجمع الشعرا» باقی مانده است (مؤذنی، ۱۳۸۶: ۷۹۲).

- عبدالصمد شیرین‌قلم: خواجه عبدالصمد شیرازی معروف به «شیرین قلم» از شاعرانی است که هم در نقاشی آوازه داشت و هم در خوشنویسی از سرآمدان روزگار خود بود. وی از هنرمندان دربار شاه طهماسب صفوی بود که آوازه‌ی ثروت و هنر پروری همایون گورکانی، وی را راهی هند کرد (فرهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۳۹۷). عبدالصمد در سال (۹۸۵ هـ.ق) امین دارالضرب فتحپور، و به سال (۹۹۴ هـ.ق)، صاحب دیوان ولایت مولتان شد. "وی نستعلیق را شیرین می‌نوشت و شعر را بسیار نیکو می‌گفت" (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۰۲).

- باقی تبریزی: میرعبدالباقی، تبریز (۱۰۳۹ هـ.ق). از فضلا و حکمای زمان خود بود که خط ثلثش رقم نسخ بر صفایح اسلامی خوشنویسان کشیده و صیت دانشش از شرق تا به غرب جهان رسیده بود. گاهی توجه به نظم نیز می فرمود (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۴۰۳). وی در نوشتن خطوط نسخ، ثلث و نستعلیق و به ویژه کتیبه نویسی از سرآمدان روزگار خود بود. میرعبدالباقی در سنه (۱۰۳۶ هـ.ق) به درخواست عبدالرحیم خان خانان به هند رفت. از وی کتابی به نام منهاج‌الولایه من کتاب نهج البلاغه باقی مانده است. کتیبه‌های مسجد شاه اصفهان از آثار او است (انوشه، ۱۳۷۵: ۴۰۱).

- میر عبدالله مشکین قلم (وصفی کرمانی): از شاعران و خوشنویسان مشهوری است که، «چون در ترقیم خط نسخ، نسخ نسخ‌نویسان گردید، به میرعبدالله مشکین قلم شهرت یافت» (هدایت، ۱۳۸۸: ۳۱۳). مهارت میرعبدالله در زمینه‌ی خوشنویسی و شاعری سبب جلب توجه و محبت اکبر پادشاه و جهانگیر شاه گردیده و او از این دو پادشاه هندوستان لقب «مشکین قلم» و تخلص «وصفی» را یافت (بیانی، ۱۳۶۳: ۳۵۴). بداوئی از جمله مورخان است که ضمن ستایش از شیوه خوشنویسی وصفی در نوشتن انواع خطوط، به جایگاه شامخ او در دربار گورکانی نیز اشاره کرده است (بداوئی، ۱۳۷۹: ۲۵۹). دو فرزند وصفی یعنی «میر محمد صالح» و «میر محمد مؤمن»، نیز سخندان، هنرمند و خوشنویس بوده اند.

- جواهر رقم: سید علی بن محمد مقیم، از سادات حسینی تبریز بود که شعر می گفت و به نام خود تخلص می کرد (فضائل، ۱۳۶۲: ۵۴۱). برخی برآنند که «جواهر رقم» در سال‌های نخست پادشاهی اورنگ زیب عالمگیر (۱۱۱۸-۱۰۶۸ هـ.ق) به هندوستان کوچید اما برخی دیگر مهاجرت او را به روزگار شهریار شاه جهان می دانند. وی پس از رسیدن به هندوستان به معلمی «عالمگیر» گماشته شد و از شاه جهان لقب جواهر رقم گرفت. «شنیده می شود که کتابدار است و نهایت اعتبار دارد» (نصر آبادی، ۱۳۷۸: ۲۹۹).

- سعیدای گیلانی: ملقب به «بی بدل خان»، در صنایع زرگری، نقاشی و خوشنویسی مهارت داشت و شاعر بود. وی در زمان جهانگیر شاه به هند کوچ کرد و از او لقب بی بدل خان گرفت. سعیدا در دوران جهانگیر شاه و شاه جهان عهده‌دار سمت داروغگی زرگر خانه شاهی شد و هر دو پادشاه او را به جایزه شعر در میزان کرم سنجیده و هر بار پنج هزار روپیه هم وزن وی به او بخشیده اند. تخت مرصع شاه جهانی معروف به «تخت طاووس» به سرپرستی او ساخته شد (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۵۵۸) سعیدا در دربار جهانگیر بسیار معزز بود چنان که جهانگیر در کتاب توزک آورده

است: «روز شنبه چهارم شهریور ۱۰۳۷ به صلۀ این قصیده حکم فرمودم که سعیدا را بر وزن کنند» (فضائل، ۱۳۶۲: ۵۴۹).

- عرفی شیرازی: جمال‌الدین محمد در سال (۹۳۶ هـ.ق) در شیراز به دنیا آمد و همان‌جا به تحصیل پرداخت. او در موسیقی، ادوار و خوشنویسی خط نسخ مهارت‌هایی را کسب کرد. فعالیت او در زمینه شاعری نیز از همین دوران آغاز شد و تخلص عرفی را اختیار کرد (صفا، ۱۳۷۳: ۸۰۱). عرفی در سال (۹۹۰ هـ.ق) راهی هندوستان شده، به دربار عبدالرحیم خان خانان راه یافت. از آن پس روز به روز هم در شعر و هم در اعتبار به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای نایل شد (بداونی، ۱۳۷۹: ۱۹۵). لطف‌علی خان آذر بیگدلی، فخرالزمانی قزوینی و عبدالباقی نهایندی از جمله تذکره نویسانی هستند که مهارت عرفی را در سرودن شعر ستایش نموده‌اند.

- حکیم رکنای کاشانی: رکن‌الدین مسعود بن نظام‌الدین علی کاشانی (ف ۱۰۶۶ هـ.ق)، متخلص به مسیح، مسیحا، مسیحی و مشهور به حکیم رکن در کاشان متولد شد. وی پزشک بوده و نزد شاه عباس (۹۹۵-۱۰۳۸ هـ.ق) بسیار معزز و محترم بود (منزوی، ۱۳۶۵: ۸۸۱). اما گویا بنا به دلایلی کدورتی میان آن‌ها به وجود آمد و حکیم رکن که از این واقعه به شدت آزرده خاطر شده بود، به هند رفت (نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۳۱۳). وی پس از رفتن به هندوستان به دربار جلال‌الدین اکبر شاه راه یافت. فخرالزمانی در باره او چنین نوشته است: «حکیم رکن‌الدین مسعود بحری است مملو از حکمت و دریایی است مالمال از معرفت، آنقدر دانش و فضیلت دارد که شاعری دون مرتبه اوست ... درین جزو زمان در مرتبه موزونیت و در وادی حذاقت، نادره عصر و یگانه عهد خود است» (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۷۵: ۴۹۵). او علاوه بر شاعری در نوشتن خط نستعلیق نیز مهارت بسیار زیادی داشت. از او گلستانی به خط نستعلیق بسیار زیبا به یادگار مانده که اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (حبیبی، ۱۳۵۵: ۷۷۴).

- خواجه محمد مؤمن: خواجه محمد مؤمن هروی فرزند خواجه شهاب‌الدین عبد الله مروارید، متخلص به «بیانی» و متوفی به سال ۹۲۲ هـ.ق است. وی مانند پدرش مردی دانشمند، فاضل، خطاط ماهر هفت قلم و شاعر بود که در دربار شاه اسماعیل اول صفوی، استاد سام میرزا صفوی شد. سام میرزا در مورد او می‌گوید: «شمه‌ای اگر از فضایل او مبین گردد، کتابی شود معین. من به خدمت ایشان درس خوانده‌ام و اندک سیاه و سفیدی که فرق توأم کرد از برکت ایشان است و در هرات و شیراز با من می‌بود و منصب صدارت مرجوع به ایشان» (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). گویا به واسطه‌ی

برخی از امور از شاه طهماسب رنجیده خاطر شده و در سال ۹۴۷ هـ ق به هند رفت. وی یک سال بعد در ۹۴۸ هـ ق در آن جا در گذشت. محمد مؤمن به نام شاه طهماسب مرقعی عظیم فراهم کرد که جامع انواع خطوط او بود و اکنون اوراق آن در موزه توپقاپی سرای و دانشگاه استانبول متفرق است (حبیبی، ۱۳۵۵: ۱۹۴).

- غافل مازندرانی (روشن رقم): محمد اسماعیل ملقب به «روشن رقم»، خوشنویس، دبیر و شاعر ایرانی سده یازدهم هجری است. وی از زادگاهش مازندران به هند مهاجرت کرده، به دربار اورنگ زیب گورکانی پیوست و از او خطاب «روشن رقم» یافت. انواع خطوط نظیر: نسخ، نستعلیق، ثلث، ریحان و رقاع را نیکو می‌نوشت. در انشاپردازی نیز استاد بود و سمت دبیری خاص پادشاه اورنگ زیب را بر عهده داشت (انوشه، ۱۳۷۵: ۱۸۵۳).

- باقر خان نجم ثانی: محمد باقر، سردار، شاعر، خوشنویس و ادیب ایرانی، از نوادگان امیر یار احمد اصفهانی ملقب به «نجم ثانی» و وزیر شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰-۹۰۷ هـ ق) بود. وی در حدود سال (۱۰۱۶ هـ ق) به هند مهاجرت نمود و به دربار جهانگیر شاه گورکانی راه یافت. جهانگیر او را بسیار عزیز داشته و همچون پسر خود می‌شمرد. باقرخان پس از مدتی با خواهرزاده‌ی نور جهان بیگم ازدواج کرد و منصب دو هزاری یافت (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۱). وی سرداری دلیر بود که در شعر و خوشنویسی نیز مهارت داشت (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۳۷۷).

- باقر خرده‌ای کاشانی: متخلص به باقر (ف ۱۰۳۸ هـ ق) اهل کاشان بود. وی پس از مهاجرت به هند به دربار ابراهیم عادل شاه دوم (۹۸۷-۱۰۳۵ هـ ق) محمد باقر در نوشتن انواع خطوط مهارت داشت و از استادان به نام خط نستعلیق بود. اوحدی دقایی، در مورد او چنین نوشته است: «الحق ریحان خطش از چشمه خضر آب خورده و صیقل نقط حروفش زنگ غم از دل احباب برده، بسیار نازک ادا، خوش طبع، خوش فهم، خوشنویس عالی همت عظیم فطرت واقع است» (اوحدی دقایی، ۱۳۸۸: ۷۸۹).

- ارسلان مشهدی: قاسم مشهدی شاعر و خوشنویس ایرانی دربار جلال الدین اکبر گورکانی بود که در شعر به «ارسلان» و گاهی نیز به نام خود یعنی «قاسم طوسی» تخلص می‌کرد. مهارت ارسلان در خوشنویسی سبب شده بود تا با نام «میر علی ثانی» نیز مشهور گردد. نسخه‌ای از دیوان وی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که احتمالاً به خط خود شاعر است (مؤذنی، ۱۳۸۶: ۳۷۶).

- فغفور لاهیجی: میر محمد حسین (ف ۱۰۲۹ هـ.ق)، شاعر، ادیب، خوشنویس، موسیقی‌دان و پزشک ایرانی است. در تذکره‌ها او را میرفغفور، عبد الغفور و فغفور متخلص به «فغفوری» نامیده‌اند. او ابتدا «رسمی» تخلص می‌کرد اما بعدها آن را به فغفور یا میر بگردانید (انوشه، ۱۳۷۵: ۱۹۹۱). وی در سال (۱۰۱۲ هـ.ق) وی ابتدا به اراده دیدار عبدالرحیم خان خانان راهی هندوستان شد و مدتی در خدمت او به سر برد. سپس در سلک مقربان شاهزاده پرویز در آمد. مهارت او را در هنرهای شعر و موسیقی زبانزد همگان بود (نهایندی، ۱۳۸۱: ۵۰۸).

- قراری گیلانی: نورالدین محمد (ف ۹۹۲ هـ.ق)، شاعر، خوشنویس و ادیب ایرانی است. پدرش ملا عبدالرزاق صدر، وزیر خان احمد گیلانی والی گیلان بود. وی در سال (۹۸۳ هـ.ق) همراه دو برادر خود، یعنی حکیم مسیح‌الدین ابوالفتح و حکیم نجیب‌الدین همام، به هندوستان مهاجرت کرده و به دربار جلال‌الدین اکبر شاه وارد شد. حکیم مسیح‌الدین و حکیم نجیب‌الدین پس از ورود به دربار به سبب موقعیت‌شناسی به سرعت مدارج ترقی را طی کردند اما «قراری» به سبب لطیفه شاعرانه‌ای که در بدو خدمت بر زبان آورده بود، مورد کم‌لطفی شاه قرار گرفت و به بنگاله بد آب و هوا تبعید شد. وی در هند به هیچ مقام و منصبی نرسیده، همان‌جا درگذشت (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۱۱۲۲). وی شاعر و خوشنویسی چیره دست بود (بداؤنی، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

- عرشی اکبرآبادی: میرمحمد مؤمن پسر میرعبدالله مشکین قلم، همانند پدرش از شاعران و خوشنویسان مشهور روزگار خود بود. میرمحمد مؤمن، معاصر شاه جهان (۱۰۶۹-۱۰۳۷ هـ.ق) بوده و به فرمان او ملقب به «نادرالعصر» گردید (صفا، ۱۳۷۳: ۱۳۱۳). وی کتابی به نام شکرستان، به پیروی از گلستان نوشت (منزوی، ۱۳۶۵: ۹۳۸) آثار خوشنویسی متعددی نیز از او در موزه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شود. کتابی از وی به نام شاهد باقی مانده که نزدیک به سه هزار بیت بوده و به پیروی از مثنوی معنوی سروده شده است. (انوشه، ۱۳۸۰: ۱۷۵۷).

- طالب آملی: محمد طالب آملی، ملک الشعرا دربار جهانگیر شاه بود. طالب در حدود سال (۱۰۱۶ هـ.ق) به هندوستان رفت و به دربار میرزا غازی خان ترخان (ف ۱۰۲۱ هـ.ق)، حاکم قندهار، راه یافت. بعد از مرگ میرزا غازی ترخان، طالب ناگزیر به آگره رفته، به خدمت عبد الله خان فیروز جنگ رسید اما پس از مدتی او را ترک کرد و در ملازمت غیاث‌الدین محمد تهرانی، به بارگاه جهانگیر شاه رسید (صفا، ۱۳۷۳: ۱۰۵۹). نعمانی با مدح جایگاه و مرتبه شاعری طالب آملی او را

شاعری بسیار توانا، صاحب طرز، خوشنویس و دانشمند معرفی کرده که شاعری را بسیار زود آغاز نموده است (نعمانی، ۱۳۶۳: ۱۳۹).

- اشرف مازندرانی: محمد سعید فرزند ملا صالح، خوشنویس، شاعر و نقاش ایرانی دربار گورکانی بود. پدرش از علمای عصر و مادرش دختر محمد تقی مجلسی بود. او در شعر شاگرد صائب تبریزی بوده و خوشنویسی را از عبدالرشید دیلمی، خواهرزاده میرعماد آموخت (انوشه، ۱۳۷۵: ۲۱۱). اشرف در سال (۱۰۷۰ ه.ق) به هند رفته، به ملازمان اورنگ زیب پیوست. او درباره هنر خوشنویسی و نقاشی خویش اشعار فخرآمیزی دارد (فضائل، ۱۳۶۲: ۵۴۹).

- ترشیزی: نورالدین محمد ظهوری ترشیزی از شاعران مشهوری است که از نظر مقام شعری، حسن خلق و خوشنویسی مورد ستایش تذکره نویسان هم عصر و اقران و امثال خود بوده است (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۸۲۳). تاریخ سفر ظهوری به هند، روشن نیست اما ظاهراً وی پس از ورود به هند به دربار عادل شاه ابراهیم ثانی (۹۸۷-۱۰۳۵ ه.ق) راه یافته و سپس به خدمت عبدالرحیم خان خانان درآمد (صفا، ۱۳۷۳: ۹۷۸). تاریخ روضه الصفا به خط مولانا ظهوری از نفایس است. وی در تاریخ (۱۰۲۵ ه.ق) در شهر بیجاپور در گذشت و همانجا به خاک سپرده شد (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۸۲۹).

- احمد غفاری قزوینی: قاضی احمد بن قاضی محمد غفاری، مورخ، قاضی، خوشنویس و ادیب عصر صفوی بود (۹۷۵-۹۲۰ ه.ق) که مدت‌ها در ایران به شغل وزارت اشتغال داشت اما پس از مدتی از خدمت کناره‌گیری کرده و راهی هندوستان شد. احمد غفاری در نوشتن خط نستعلیق مهارت داشت و به شاهزاده پرویز خوشنویسی می‌آموخت (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۲). از تألیفات او می‌توان به کتاب نگارستان، و کتاب نسخ جهان‌آرا اشاره کرد (بداؤنی، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

- ابوالبقای ابرقویی: فرزند شاه ابولولی بن شاه ابوالفتح، از سادات ابرقو که در روزگار پادشاهی «شاه جهان» به هند مهاجرت کرد و به خدمت تقرب خان رسید. ابیاتی پراکنده از سروده‌های او در تذکره‌ها به جا مانده است. نصرآبادی به مهارت وی در نگارش انواع خط‌ها اشاره کرده است (نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

- ابراهیم فارسی: شاعر و خوشنویس اهل شیراز بود و پس از مهاجرت به هند به خدمت ابراهیم خان فتح جنگ درآمد (انوشه، ۱۳۷۵: ۵۸). وی در خوشنویسی چیره‌دست و در نوشتن خط نسخ پس از، از سرآمدان روزگار خود بود (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۷۵: ۸۹۸).

- اسماعیل نصرآبادی: خوشنویس و شاعر پارسی گوی ایرانی در شبه قاره‌ی هند که از خاندان نصرآبادی و عمه‌زاده‌ی میرزا محمد طاهر نصرآبادی، مؤلف تذکره نصرآبادی، بود. اسماعیل هم طبع نظم داشت و هم شکسته را خوش می‌نوشت (نصرآبادی ۱۳۸۷: ۶۶۳). عموی وی میرزا غیاث‌الدین، ملازم شاه جهان گورکانی بود. وی نیز به وساطت عمویش ملازم مهابت خان شد اما اندکی بعد در همان‌جا در گذشت (مؤذنی، ۱۳۸۶: ۴۱۹).

- عنایت‌الله شیرازی: شاعر و خوشنویس ایرانی که سمت کتابداری اکبرشاه را عهده‌دار بود و تا زمان سلطنت جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ.ق) و شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ.ق) در دربار سلطنت ملازم بود. وی شاعر بود و «فرسی» تخلص می‌کرد. در نوشتن انواع خطوط نیز ماهر بود. از آثار او یک نسخه از دیوان حافظ به قلم کتابت خفی خوش با تاریخ و رقم ۹۸۵ هـ.ق عنایت‌الله شیرازی در موزه باستان شناسی دهلی و یک نسخه از کلیات سعدی با تاریخ سال ۹۶۴ هـ.ق در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ نگهداری می‌شود (بیانی، ۱۳۶۳: ۵۴۲).

- امیرابراهیم قانونی: میر ابراهیم، شاعر، نوازنده و خوشنویس دربار گورکانی بود. وی در (۹۳۴ هـ.ق) به همراه حقیری هروی و خواند میر هروی از هرات که در محاصره ازبکان بود، به هند رفت و در یک سال بعد با همسفران خود در آگره به حضور ظهیرالدین بابر گورکانی (۹۳۷ هـ.ق) رسید. ابراهیم از مقربان ظهیرالدین بابر بود. به نوشته سام میرزای صفوی از بیش‌تر فضایل و علوم روزگار خود بهره داشت و خط را خوب می‌نوشت و در نواختن قانون به روش خواجه عبدالله مروارید، دستی داشت (صفوی، ۱۳۸۴: ۷۳).

- کامی قزوینی: میرعمادالدوله سیفی حسنی قزوینی متخلص به «کامی» از شاعران و خوشنویسان معروف ایرانی بود. میر علاءالدوله پس از آن که پدرش به جرم سنی بودن به فرمان شاه طهماسب روانه زندان شد، در سال (۹۶۳ ه.ق) به همراه برادرش به هند مهاجرت نموده، به دربار جلال‌الدین اکبر گورکانی پیوست (صفا، ۱۳۷۳: ۱۶۳۶). وی در غزل‌سرایی و خوشنویسی دست داشت. از آثار او می‌توان به تذکره «نفایس المآثر»، «رساله‌ای در صنایع شعری» و «صحیفه‌الارقام» در فن خطاطی اشاره کرد (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۱۱۶۱).

- صفی اصفهانی: آقا صفی مشهور به «صفیا»، شاعر و خوشنویس ایرانی که در نوشتن خط شکسته مهارت داشت. او شعر و غزل عارفانه و عاشقانه نیز می‌ساخت (صفا، ۱۳۷۳: ۲۰۰۴). صفیا در جوانی به هند مهاجرت کرده و به خدمت آصف خان جعفر قزوینی (۱۰۲۱ هـ.ق) درآمد. مدتی

را نیز در دربار عبدالرحیم خان خانان به سر برد. سپس از نوکری دست کشیده و در جامه درویشان به گشت و گزار در هند پرداخت. پس از مدتی «زمانه بیگ مهابت خان» او را در دربار خود به کار گماشت (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۱۹۵).

- تجلی گیلانی یا تجلی لاهیجی: ادیب، شاعر و خوشنویس ایرانی است. در مورد او چنین گفته‌اند: «بر جلی و خفی اشعار متأخرین اطلاع داشته و خود را از تازه‌گویان و شیرین‌سخنان این زمان می‌داند اما از نوآمدگان این عرصه به جودت طبیعت در پیش است ... شکسته را به غایت نیکو می‌نویسد ... در اوایل سن جمالی تخلص می‌نمود اما در هنگام مهاجرت به هند، جمالی را به خاوری تبدیل کرد (عبدالباقی نهاوندی، ۱۳۸۱: ۵۷۳). گویا پس از مدتی نیز تخلص «تجلی» را برگزید.

- تقی مروارید کاشی: شاعر و خوشنویس ایرانی که در نوشتن انواع خطوط از جمله نستعلیق، نسخ و تعلیق مهارت داشت. رازی درباره‌ی وی گفته است: «محمدتقی مروارید جوانی بود که فلک پیر در استعداد از اقران مثل او بی ندیده و گوش سپهر ذاتی مستجمع‌تر از او نشنیده و عمرها در دکن اقامت کرده، خط نستعلیق را در غایت عذوبت تحریر می‌فرمود (رازی، ۱۳۷۸: ۱۰۲۵).

- جسمی همدانی: کمال‌الدین جسمی علاوه بر شاعری در هنرهای خوشنویسی و موسیقی نیز مهارت داشت. وی در فن شاعری از سر آمدان روزگار خود بوده، اشعارش از خامی، لغو و سایر عیوب که در کلام تازه‌گویان دیده می‌شد، مبرا بود (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۲۷۷). علاوه بر آن جسمی بعضی از اوقات به انجام امور دیوانی نیز می‌پرداخت. وی در سال (۱۰۱۶ هـ.ق) به قصد دیدار خان خانان راهی هندوستان شد (نهاوندی، ۱۳۸۱: ۵۲۴).

- خصالی هروی: میرحیدر خصالی از شاعران و خوشنویسان ایرانی که در هرات متولد شد. فخر الزمانی قزوینی درباره او گفته است: «یکی از شعرای به نام این ایام خجسته فرج است و خط نستعلیق را به غایت خوب می‌نویسد و در شعر فهمی و انشا مهارت تمام دارد» (فخر الزمانی قزوینی، ۱۳۷۵: ۸۴۵). بنا بر اظهارات باقی نهاوندی وی علاوه بر داشتن مهارت در نوشتن خط نستعلیق، خط شکسته را نیز نیکو می‌نوشت (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۳۷۸). از وی دیوان شعری نزدیک به چهار هزار بیت و همچنین یک مثنوی در بحر خسرو و شیرین نظامی، باقی‌مانده است (اوحدی دقایی، ۱۳۸۸: ۱۲۷۱).

- صالحی خراسانی: محمد میرک صالحی، از شاعران، خوشنویسان و منشیان زبر دست گورکانیان بود. وی برادر کوچک احمد میرک، متخلص به «صوفی» است که هر دو از منشیان زبر دست شاه طهماسب بوده و به طرز وقوع شعر می سروده‌اند (آذر بیگدلی، ۱۳۳۷: ۸۹).
- وقوعی نیشابوری: محمد شریف وقوعی در شاعری و خوشنویسی از سرآمدان روزگار خود بود. در مورد او چنین گفته‌اند: «در انشا و خط وقوفی تمام و علمی مالا کلام داشته و هرگاه به غواصی دریای طبیعت مواظبت نموده و به تیشه اندیشه کان فکر را کاویده، دریا به خاک نشانده و کان را به آب رسانده» (عبدالباقی نهاوندی، ۱۳۸۱: ۳۸۶). بداوئی نیز مهارت او را در خط و انشا ستوده است (بداوئی، ۱۳۷۹: ۲۵۶).
- اشرف مشهدی: میر محمد اصغر، معروف به اشرف خان میر منشی، دبیر، خوشنویس، شاعر و دولتمرد ایرانی تبار شبه قاره هند که در خوشنویسی به «هفت قلم» مهارت داشت. از امرای دربار اکبر شاه بود و لقب «اشرف خان» را از این پادشاه گرفته بود (بیانی، ۱۳۶۳: ۶۸).
- آصف خان تهرانی: میرزا ابوالحسن یمین‌الدوله مشهور به آصف جاهی فرزند خواجه غیاث الدین محمد اعتمادالدوله، دولتمند، شاعر و خوشنویس ایرانی. آصف خان پدر ارجمند بانو مشهور به «ممتاز محل»، همسر جهانگیر شاه بود. وی در دوره پادشاهی جهانگیر شاه و شاه جهان در اداره قلمرو گورکانی دخالتی تمام داشت (انوشه، ۱۳۷۵: ۳۰). آصف خان در خوشنویسی مهارت داشته و شعر نیز می سرود (اوحدی دقایی، ۱۳۸۸: ۶۰۰).
- شمیمی یزدی: میر محمد مؤمن، مشهور به شمیمی، خوشنویس، موسیقی دان و شاعر ایرانی است. فخرالزمانی قزوینی مهارت او را در نوشتن انواع خط و ساختن قطعات موسیقی ستوده است (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۷۵: ۸۵۵). وی در اوایل جوانی به هند رفت و مدتی در ملازمت ظفرخان احسن تربتی به سر برد اما سرانجام در «کرناتک» کشته شد (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۶۵۴).
- عشرتی یزدی: از سادات یزد بود که خط نستعلیق را بسیار خوب می نوشت (آذر بیگدلی، ۱۳۳۷: ۲۶۸). عشرتی در روزگار محمد علی قطب شاه، فرمانروای گلکنده (۱۰۲۰-۹۸۹ هـ.ق) به هند رفت و از سوی میر محمد مؤمن استرآبادی مورد حمایت قرار گرفت. وی در همان جا در سال (۱۰۳۷ هـ.ق) در سن سی سالگی وفات یافت (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۹۰۱).

- علی خوافی: خواجه علی اکبر، خوشنویس، دبیر و شاعر ایرانی، سده یازدهم هجری از اهالی خواف بود و در اواخر دوره‌ی شاه عباس دوم صفوی (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ.ق) به هند رفت. وی مردی صاحب‌طبع، سخنور، تاریخ‌گو و خوشنویس بود و نظم و نثری داشت. از او مرقعات رنگین به یادگار مانده است (انوشه، ۱۳۸۰: ۱۸۱۶).

- فسونی تبریزی: محمود بیک (ف ۱۰۲۷ هـ.ق). شاعر و خوشنویس ایرانی که علاوه بر نظم و نثر، در علم سیاق و نجوم نیز دست داشت. فسونی در سال (۱۰۰۱ هـ.ق) و در روزگار جلال‌الدین اکبر (۹۳۶-۱۰۱۴ ه.ق) به هند رفت (همان، ۱۳۷۵: ۱۹۸۴). وی در دربار اکبر شاه، عهده‌دار سمت نویسندگی و مترجمی بود. در زمان جهانگیر پادشاه منصب استیفای شاه جهان را داشته و در خلال این احوال رساله‌ای نیز در علم حساب، و فرهنگی فارسی موسوم به «مفتاح المعانی» را به رشته تحریر در آورد. وی از غزل سرایان مشهور مکتب وقوع بوده است (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۱۰۱۳).

- واله شیرازی: شاعر و خوشنویس ایرانی، نصرآبادی در مورد او نوشته است: «برادر شمس، مشهور به «بینی» است که شاگرد میر عماد است. خوش می‌نوشت، طبعش خالی از لطف نبوده، به هندوستان رفته، ملازمت امرا اختیار کرده، به واسطه وسعت مشرب که در هند باب است، اعتباری به هم رسانید و فوت شد (نصر آبادی، ۱۳۷۸: ۴۰۸).

- آقا تقی اصفهانی: (ف ۱۰۲۱ هـ.ق) شاعر و خوشنویس ایرانی. آقا تقی نخست در اصفهان زندگی می‌کرد اما آوازه‌ی حمایت دربار گورکانیان از شاعران و هنرمندان او را راهی هند کرد. طبع عالی و تیزفهمی وی سبب شد تا خان خانان موجبات ورود او را به دربار شاهزاده پرویز فراهم سازد. آقا تقی منصب کتابداری کتابخانه را به عهده گرفت اما اندکی پس از آن در جوانی درگذشت (مؤذنی، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

- طالعی یزدی: ملا طالعی خوشنویس و شاعر ایرانی که در نوشتن خط نستعلیق مهارت داشته و در آگره اکبر آباد هند به شغل صحافی مشغول بوده است (انوشه، ۱۳۸۰: ۱۶۳۳).

- امامی اصفهانی: متخلص به الهام، (ف ۱۲۲۶ هـ.ق)، خوشنویس و شاعر ایرانی که در روزگار پادشاهی شاه جهان به هندوستان رفت. دیوان شعری از او مشتمل بر سه هزار بیت باقی‌مانده است (مؤذنی، ۱۳۸۶: ۵۷۱).

- صحیفی شیرازی: ملا صحیفی، مشهور به جوهری، شاعر و خوشنویس ایرانی که در نوشتن خط ثلث مهارت داشته و برخی از کتیبه‌های مساجد اصفهان کار اوست. صحیفی هم به فارسی شعر می‌گفت و هم به ترکی. بیش‌تر اشعار وی در مدح ائمه معصوم است (انوشه، ۱۳۸۰: ۱۵۹۳).

۵- نتیجه: این بررسی بیانگر این نکته است که شاعران خوشنویس مهاجر به دربار گورکانیان، نقش مهمی را در گسترش فرهنگ و ادب فارسی در سرزمین هند ایفا نمودند. حمایت‌ها و تشویق‌های سخاوتمندانه پادشاهان و امرای گورکانی، دربار هندوستان را به محل مناسبی برای فعالیت اربابان هنر تبدیل کرده بود. تخصص‌ها و مهارت‌های زیاد ایرانیان مهاجر در زمینه‌های مختلف، همچون؛ نقاشی، موسیقی، طب، نجوم و سایر علوم و فنون، نشان از فرهیختگی و نخبگی این گروه از مهاجران دارد از این منظر چنین به نظر می‌رسد که امرای گورکانی همانقدر به تخصص و مهارت ایرانیان مهاجر در زمینه‌های مختلف، نیاز داشتند که مهاجران به حمایت‌های آنان. علاوه بر آن، در این بررسی که شامل نگاهی اجمالی به زندگی و آثار این هنرمندان بود، مشخص می‌گردد که تمایل و عزم جدی امرای گورکانی برای حمایت از مهاجران نخبه ایرانی، نه تنها دربار گورکانی را به زیب و وجود این اساتید آراسته بود، بلکه غنای فرهنگی درخور توجهی را نیز برای سرزمین هند به ارمغان آورده بود که گسترش خوشنویسی، زبان و ادب فارسی از نمونه‌های درخور توجه آن به شمار می‌روند.

منابع

- ۱- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ، آتشکده آذر، فهرست و تعلیقات سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- ۲- اکرم، فیلیس، «خوشنویسی»، ترجمه هوشنگ رهنما، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، زیر نظر آرتور پوپ و فیلیس اکرم، ویرایش سیروس پرهام، ج ۴، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- ۳- انوشه، حسن، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۴، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۴- _____، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (هند- پاکستان- بنگلادش)، ج ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

- ۵- اوحدی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، مقدمه، تصحیح و تحقیق متن محسن ناجی نصر آبادی، ج ۱ و ۲ و ۳، تهران: اساطیر، ۱۳۸۸.
- ۶- بداؤنی، عبدالقادر بن ملوک‌شاه، منتخب التواریخ، به تصحیح مولوی احمد صاحب، با مقدمه دکتر توفیق. ه. سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، ۱۳۷۹.
- ۷- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه دکتر بهرام مقدادی، تحشیه و تعلیق دکتر ضیاءالدین سجادی و دکتر عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران: گلشن، ۱۳۷۵.
- ۸- بلر، شیلا و ام بلوم، جانانان، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، ج ۲، تهران: سروش، ۱۳۸۵.
- ۹- بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- ۱۰- _____، مجموعه مهدی بیانی، تهران: مروی، ۱۳۶۳.
- ۱۱- بیانی، منیژه، سفارش قرآن و مغول‌ها، کمال آراستگی، ج ۴، گرد آوری ناصر خلیلی، ترجمه پیام بهتاش، صص ۱۷۱-۱۷۷، تهران: کارنگ، ۱۳۸۱.
- ۱۲- بوکهارت، تیتوس، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، ج ۳، تهران: سروش، ۱۳۸۱.
- ۱۳- بهار، محمد تقی، سبک شناسی، ج ۳، چ ۸، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- ۱۴- حبیبی، عبدالحی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- ۱۵- ذکرگو، امیر حسین، لهجه نستعلیق، گلستان هنر، ش ۳، صص ۱۱۶-۱۲۵، ۱۳۸۴.
- ۱۶- رازی، امین احمد، تذکره هفت اقلیم، ج ۱ و ۲، تصحیح و تعلیق سید محمد رضا طاهری، تهران: سروش، ۱۳۷۸.
- ۱۷- سوچک، پرسیلا، هنرمندان ایرانی در هند گورکانی، ترجمه عباس آقاجانی، گلستان هنر، ش ۲، صص ۱۲۶-۱۴۰، ۱۳۸۴.
- ۱۸- سودآور، ابوالعلاء، هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، ویراستار عبدالرضا دهقانی، تهران: نشر کارنگ، ۱۳۸۰.
- ۱۹- شیمل، آنه ماری، شعر و خوشنویسی: ملاحظات دربارۀ رابطه آن‌ها در فرهنگ ایرانی، اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، صص ۱۹۳-۲۲۲، تهران: آگه، ۱۳۷۹.
- ۲۰- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری، ج ۵، تهران: فردوس، ۱۳۷۳.
- ۲۱- صفوی، سام میرزا، تذکره تحفه سامی، تصحیح و تحشیه دکتر رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.

- ۲۲- عالی افندی، مصطفی، مناقب هنروران، ترجمه دکتر توفیق سبحانی، تهران: سروش، ۱۳۶۹.
- ۲۳- عزیز، احمد، «شاعران دوران صفوی و هند»، مجله ۷۱ هنر و مردم، ترجمه مسعود رجب نیا، دوره ۱۴، ش ۱۶۴، صص ۶۰-۴۶، ۱۳۵۵.
- ۲۴- فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی، تذکره میخانه، تصحیح احمد گلچین معانی، چ ۶، تهران: اقبال، ۱۳۷۵.
- ۲۵- فریه، ر، دبلیو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه، ۱۳۷۴.
- ۲۶- فرهانی منفرد، مهدی، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، چ ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.
- ۲۷- فضائی، حبیب الله، اطلس خط، چ ۲، اصفهان، مشعل، ۱۳۶۲.
- ۲۸- کهدوی، محمدکاظم، پارسی‌گویان ایرانی در دوره حکومت قطب شاهیان و عادل شاهیان، کاوش ۷-نامه، سال هشتم، ش ۱۴، صص ۷۷-۱۰۶، ۱۳۸۶.
- ۲۹- گلچین معانی، احمد، کاروان هند، ج ۱ و ۲، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۹.
- ۳۰- مبارک، شیخ ابوالفضل، اکبرنامه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه، ۱۳۷۲.
- ۳۱- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ج ۷، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵.
- ۳۲- مؤذنی، علی ۷ محمد، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، ج ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶.
- ۳۳- واله داغستانی، علیقلی بن محمدعلی، تذکره ریاض الشعراء، ج ۱ و ۲ و ۳، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- ۳۴- نصرآبادی، محمد طاهر، تذکره نصرآبادی، ج ۱ و ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۸۷.
- ۳۵- نعمانی، شبلی، شعرالعجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۳ و ۴، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- ۳۶- نهاوندی، عبدالباقی، مآثر رحیمی، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۳۷- هدایت، رضا قلی‌خان، تذکره ریاض العارفین، مقدمه، تصحیح و تعلیقات ابوالقاسم رادفر، گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.